

جباری ۳۵۰۰ کیلومتر آمد تا نکته‌های مربیگری را یاد بگیرد

چراغپور: باید ماهیگیری را به مربیان جوان آموزش بدهیم



امیر اسدی

Amir Asadi

برگزاری کلاس مربیگری تکمیلی با تدریس جلال چراغپور و حضور ستاره‌های سابق فوتبال ایران نظیر مجتبی جباری، آرش برهانی و محسن بنگر یکی از سوژه‌هایی بود که نمی‌شد بی توجه از کنار آن گذشت. بخصوص که مجتبی جباری بعد از پایان این کلاس دو روزه به تمجید از جلال چراغپور پرداخت و از او به عنوان بهترین مدرس فوتبال ایران یاد کرد. همین مسأله بهانه‌ای بود برای صحبت با جلال چراغپور. صحبتی که البته با ماهیت برگزاری این کلاس‌ها آغاز و به تمجید این مدرس باسابقه از مجتبی جباری ختم شد. چراغپور که حدود ۲۰ سال قبل ریاست کمیته آموزش فدراسیون فوتبال را بر عهده داشت، ضمن احترام به مسئولان فعلی و سابق، از نقص‌هایی صحبت می‌کند که باعث شده تا مربیان جوان به درستی آموزش نبینند. او در این باره مثالی هم می‌زند و معتقد است به کسی که ماهی احتیاج دارد نباید ماهی داد بلکه باید روش ماهیگیری را به او گفت. درست مانند کلاس‌های مربیگری در ایران که به نکته‌های ریز توجهی نمی‌شود و حاضرین فقط آموزش سطحی را پشت سر می‌گذارند. چراغپور در این مصاحبه تأکید می‌کند که نکته‌های او واژه‌های انگلیسی که کلیدی هم هست، صحیح نوشته شود تا شاید مربیان جوان بتوانند از آنها استفاده کنند. او در پایان به تمجید از جباری هم می‌پردازد و مدعی است او نکته‌سنج‌ترین و باهوش‌ترین فرد حاضر در کلاس‌های او ظرف ۱۵ سال اخیر است.

چند روز قبل بود که تصاویری از کلاس مربیگری تکمیلی دیدیم که شما به عنوان مدرس در آن حضور داشتید. دوست داریم ابتدا درباره ماهیت این کلاس‌های مربیگری صحبت کنید و اینکه دلیل برگزاری آنها چیست؟

من مدت‌هاست در کلاس‌های مربیگری که زیر نظر کمیته آموزش برگزار می‌شود تدریس نمی‌کنم. آنها مدرسان خودشان را دارند که من به تمام‌شان احترام می‌گذارم. از ۲۰ سال قبل که در کمیته آموزش مسئولیت ندارم، رسماً در کلاس‌های مربیگری فدراسیون فوتبال تدریس نمی‌کنم چون معتقدم فدراسیون فوتبال به دلیل اینکه پروتکل‌های ای اف سی را انجام می‌دهد، در تربیت مربی با ضعف‌هایی رو به رو است. در این ۲۰ سال اخیر که من کنار آمدم و دوستان دیگر زحمت کشیدند، دیدیم که مربیان خوبی پرورش نداده‌ایم چون روش درستی را به کار نگرفتیم و برخی بر اساس حادثه و اتفاق به مربیان موفقی تبدیل شدند. متأسفانه نیروهای ما بر اساس یک طرح کلی آموزش می‌بینند، دقیقاً مثل کارخانه‌ای که تولیدات یکسانی دارد، بدون ذره‌ای تفاوت.

پس شما به نوع آموزش انتقاد دارید.

من به کسی توهین نمی‌کنم اما در این ۲۰ سال اخیر فوتبال جهان پیشرفت کرده و افراد و مربیان مختلف تغییر کرده‌اند. مربیانی چون مورینیو، کلوپ و گواردیولا آنچنان متحول شده‌اند که مربیان بزرگ و باسابقه مجبور شدند خداحافظی کنند و بروند در خانه بنشینند. متأسفانه در مقطعی ما فکر کردیم چون موج استفاده از مربیان جوان در فوتبال جهان آغاز شده، باید از این ایده تقلید کنیم.

منظورتان رودی فولر و یورگن کلینزمن در آلمان یا کونته در ایتالیا هستند؟

دقیقاً. ایتالیا و آلمان چنین راهکاری را انتخاب کردند و ما هم سریع به این رویه روی آوردیم. مربیان جوان را آوردیم و بردیم و آنها را سوزاندیم. غافل از اینکه بدانیم وقتی یک مربی روی نیمکت می‌رود، مثل این است که پشت میز شطرنج می‌نشیند. در شطرنج باید روش‌های دفاع و حمله را بلد باشی و بدانی که کجا از چه مهره‌ای استفاده کنی. ممکن است دو نفر با هم رقابت شانه به شانه‌ای داشته باشند اما نفر سوم بیاید و با یک حرکت هر دو را شکست بدهد. درون شطرنج دانش می‌جوشد و بقیه رشته‌ها به همین شکل. در والیبال دیگر اسپک و آبشار قوی که توپ را بترکاند کافی و مهم نیست چون دانش مربیان بالا رفته و دیگر قرار نیست هر کسی اسپک قوی می‌زند موفق باشد. در والیبال هم مثل فوتبال دانش بر فیزیک غلبه کرده و می‌بینیم که دوبله وسط، پاس پشت و بریده بارها استفاده می‌شود.

منظورتان این است که در تمام رشته‌ها دانش فنی حرف اول و آخر را می‌زند؟

واقعاً همینطور است. زمانی که دانش آمد آنالیز هم آمد. به عنوان مثال زمانی که ما بازی می‌کردیم فوتبال کم‌دانش بود. در رختکن می‌گفتند فلانی حسن روشن یار شماست. اصلاً نمی‌گفتند چه کار کن و کجاها برو. زمانی هم که هافبک بودیم فقط همین جمله را به کار می‌بردند که با فلان بازیکن یارگیری کن. اگر مربی حریف خارجی بود و به علم روز واقف بود، کلک‌مان می‌زد و از جایی که ما دنبال یار مقابل بودیم و پست‌مان خالی می‌ماند به تیم ضربه می‌زد. یکبار می‌دیدیم ۵ گل خورده‌ایم و با شکست باید از زمین خارج شویم.

کمی هم درباره کلاسی که پشت سر گذاشتید صحبت کنید. این کلاس به چه منظور برگزار شد؟

متأسفانه سواد فوتبال یا دانشی که به فوتبال ارتباط دارد، پشت کلاس‌های مربیگری ما انباشته شده. فدراسیون فوتبال و در اصل آقای ماجدی هم متوجه این موضوع شده‌اند. ای اف سی در پروتکلی که به فدراسیون فوتبال و سایر کشورهایی آسیایی داده،

تأکید کرده که فلان درس‌ها را باید بیاموزید. این دروس اما همه علم مربیگری نیست و مربیان نیاز دارند که در کلاس‌های تکمیلی یا دانش‌افزایی مثل این کلاس شرکت کنند. ای اف سی می‌گوید اگر دروس این پروتکل را یاد ندهید شاید جریمه و مجازات هم بشوید. کشورهایی مثل ژاپن از مدت‌ها قبل گفتند چشم، کلاس‌های ای اف سی را برگزار می‌کنیم و برای صدور کارت مربیگری با همان پروتکل پیش می‌رویم اما خودمان هم باید سواد بیشتری به مربیان یاد بدهیم. بنابراین کارت مربیگری را بر اساس پروتکل ای اف سی صادر کردند و سپس کلاس‌های تکمیلی برای مربیان خود تدارک دیدند. آنها بر اساس شرایط مملکت، مسائل روانشناسی، برنامه‌ها و اقلیم هر کشور دانش را به مربیان خود اضافه می‌کنند تا بتوانند آینده موفقی را رقم بزنند.

این کلاس هم به دلیل اضافه شدن همین دانش به مربیان برگزار شد؟

دقیقاً. این کلاس به مربیان سواد بازی می‌دهد. مثلاً اینکه به بازیکن چه بگویند و چطور باعث شناخت آنها از شرایط بازی شوند. نالچ آف د گیم باعث شناخت می‌شود. PER CEPSON همان شناخت از تیم خودی، استراتژی، حریف و بازی است. ببینید، شما هم که فوتبال می‌نویسید یا نگاه می‌کنید با این کلمات آشنا نیستید و برای‌تان جدید است. این شناخت به مربی قدرت پیش‌بینی یا همان ANTICIPION می‌دهد. وقتی مربی قدرت پیش‌بینی پیدا کرد آن را به راحتی به بازیکن خودش انتقال می‌دهد. آن وقت بازیکن به راحتی دریبل نمی‌خورد، خطا نمی‌کند، پناالتی نمی‌دهد و اخراج نمی‌شود. بازیکنی که خیلی راحت کارت قرمز می‌گیرد، سوادش کم است و به همین دلیل سرش کلاه می‌رود. ما خیلی اوقات سوادمان پایین است که سرمان کلاه می‌رود و اشتباهات عجیب انجام می‌دهیم. نمونه‌اش بازی تیم ملی مقابل ژاپن که دفاع ما گسسته شد، آن اشتباه‌چگانه را انجام داد و در نهایت سورپرایز شدیم و باختیم. ما این مسائل را در کلاس‌های ۲۰ سال گذشته تدریس نکرده‌ایم و همین باعث شده تا سر بزنگاه با مشکلاتی اینچینی مواجه شویم. شاید خیلی‌ها بگویند و کنجکاو شوند که من چه حرف‌هایی می‌زنم اما اگر بخوانند باعث می‌شود تا به راحتی سرشان کلاه نرود.

در این کلاس افرادی شرکت کردند که به تازگی وارد فضای مربیگری شده‌اند. مثل محسن بنگر، آرش برهانی و مجتبی جباری. آیا با این کلاس‌ها می‌توانند نکته‌های بسیاری را فرا بگیرند؟

مربیان جوان ما باید کلاس‌های کلاسیک را طی کنند.

کلاس‌های کلاسیک همان کلاس‌هایی است که ای اف سی برگزار می‌کند. اگر آنها امکان مالی داشته باشند، بهتر است به اروپا و بخصوص کشورهای بلوک شرق هم بروند و دوره پروفشنال را بگذرانند. آنچه در کلاس‌های آسیا تدریس می‌شود با اروپا فرق دارد. دوستانی که در کلاس تکمیلی ما شرکت کردند، همگی مدرک B مربیگری را گرفته‌اند و باید امتیازها را جمع‌آوری کنند و سپس به دوره A بروند. در این دو سال فاصله میان کلاس B و A می‌تواند مربی رده‌های پایه شوند یا در دسته‌های یک و دو کار کنند. اشکال هم ندارد بروند در لیگ‌های پایین‌تر و فعالیت خود را آغاز کنند. آنها می‌توانند نکته‌هایی که سایر مدرسان می‌گویند را هم به دایره معلومات خود اضافه کنند تا از هر نظر پخته و آبدیده شوند. این دروسی که من گفتم، همه‌اش را ترجمه کردم و هیچ‌کدام برای خودم نیست. به عنوان نمونه اگر کسی بیاید و بپرسد ALL ATTACK را از کجا آوردی یا در مورد استراتژی‌های تاکتیکی سؤال کند، من اطلاعات

را می‌دهم و

می‌گویم برو فلان جا بخوان. از خودم که نساخته‌ام و آنها هم می‌توانند در کنار کلاس‌های مربیگری ای اف سی بیابند و در این دوره تکمیلی شرکت کنند.

این کلاس با خواسته خودتان تشکیل شد یا مربیان جوانی که دوست داشتند برای‌شان تدریس کنید؟

آقای مجتبی جباری همه کارها را انجام داد و من هم تمام امور را به او سپردم. جباری از حاضرین ثبت نام کرد و قرار شد سطح و اندازه‌های‌شان به حدی باشد که باعث کندی کلاس نشوند و خیلی زود مسائل را درک کنند.

شنیدم که درباره استراتژی در فوتبال هم برای حاضرین نکته‌هایی را گفتید.

استراتژی یعنی خون فوتبال که داخل رگ‌ها می‌رود. ما نکته‌هایی را گفتیم که فکر می‌کنم تا الان تدریس نشده بود. حتی زمانی که خودم مسئولیت کمیته آموزش را بر عهده داشتم، این مسائل آنچنان مطرح نشده بود. حتماً تا امروز خیلی شنیده‌اید که مربیان می‌گویند بچه‌های ما تاکتیک‌پذیر نیستند. دلیلش این است که ما درسی نمی‌دهیم تا آنها بپذیرند چون سواد و دانش آن را تدریس نمی‌کنیم، نباید هم انتظار داشته باشیم. شما ازدواج کرده‌ای و بچه هم داری؟

بله، چطور؟

شما به بچه‌ات می‌گویی بابا جان، لیوان آب را می‌دهی؟ او نمی‌داند آب را برای چه می‌خواهید. باید به او توضیح بدهید که برای رفع تشنگی به آب نیاز دارید. ما اصل ماجرا را نمی‌گوییم اما انتظار داریم بازیکنان به بهترین شکل خواسته‌ها را در زمین پیاده کنند. خارجی‌ها می‌گویند به من ماهی نده، ماهی گرفتن را یاد بده. بخصوص افراد فقیر که می‌گویند به جای ماهی، قلاب را بده و بگو چطور ماهی را شکار کنم. ما در کلاس‌های‌مان همینطور عمل می‌کنیم. نکته‌ها را گذری می‌گوییم و به باقی ماجرا توجهی نمی‌کنیم. یعنی به جای آموزش ماهیگیری، فقط ماهی را در اختیار مربیان جوان می‌دهیم.

مجتبی جباری بعد از پایان این کلاس دو روزه، پستی در اینستاگرام خود منتشر کرد و مدعی شد که شما بهترین مدرس فوتبال ایران هستید و نکات بسیاری را از کلاس‌تان فرا گرفته.

مجتبی مرا شرمنده خودش کرده اما وقتی او این حرف‌ها را زده باید به فکر بیفتیم. او سال‌ها افتخار کسب کرده، با کارلوس کی‌روش بوده، در تیم ملی حضور داشته و در قطر هم بازی کرده. اگر فردی در این سطح چنین برداشتی از کلاس داشته، یعنی آموزش در فوتبال از مدت‌ها قبل دچار مشکل بوده. جباری بازیکنی بود که کمتر در فوتبال ایران نمونه‌اش تولید می‌شود. اگر او چنین برخوردی با کلاس داشته، حتماً نکته‌های جدیدی گفته‌ایم که برایش تازه بوده. اینها باعث می‌شود در این زمینه فکر اساسی داشته باشیم.

مجتبی جباری چطور فهمید که شما می‌توانید نکته‌های ویژه‌ای آموزش بدهید؟

همانطور که گفتم آقای جباری ثبت نام و برگزاری این کلاس را بر عهده داشت. ابتکارش با او بود و من فقط تدریس کردم. دلیلش هم این بود که آقای جباری یک بار تنها به خانه من در شمال آمدند و پنج ساعت برایش تدریس کردم. شاید باورناتان نشود اما این اتفاق پنج بار دیگر هم رخ داد. او ۷۰۰ کیلومتر آمد تا نکته‌های مربیگری را یاد بگیرد. البته دو بار هم من به تهران آمدم.

به نظر شما جباری با پشتکاری که دارد می‌تواند مربی موفقی باشد؟

بله، بله. من حدود ۳۰ ساعت با او کار کردم و در این کلاس دو روزه هم کنار سایر شرکت‌کننده‌ها حضور داشتم. او یکی از باهوش‌ترین یا حتی باهوش‌ترین و نکته‌سنج‌ترین کسی است که در ۱۵ سال اخیر دیده‌ام. خیلی دقیق و باهوش در کلاس حاضر شد و این علاقه، استعداد و هوش او باعث می‌شود به آینده مربیگری‌اش خوشبین باشیم.